

# خانه‌ای برای رؤیاهای کوچک

در خانه کودک شوش، کودکانی که با داستان کوچکشان رؤیا می‌سازند، یاد می‌گیرند چگونه با مهربانی از هم مراقبت کنند



به آسمان خیره شوند. مربیان داوطلب، کارگران فرهنگی بی‌سروصدا و دلسوزانی که در پس این حرکتند، خوب می‌دانند بذر امید چگونه کاشته می‌شود. این خانه، خانه‌ی کودکانی است که شاید در محله‌ای فراموش‌شده به دنیا آمده‌اند، اما قلب‌شان یاد گرفته که بزرگ‌تر از خیابان‌ها و سقف‌های کوتاه شوش بتپد. اینجا جایی‌ست که انسان بودن، از دوران کودکی آغاز می‌شود؛ از بخشیدن خون، هدیه‌دادن نمره ۲۰، یا از آرزوی برگرداندن زمان برای نجات یک جان. در دنیایی که رؤیاهای بزرگ اغلب در هیاهو گم می‌شوند، خانه کودک شوش یادمان می‌آورد که گاه یک توپ، یک لبخند یا حتی دستی که بار سنگینی را از روی زمین برمی‌دارد، کافی است تا جهانی بهتر را بسازیم.

## شادی در چیزهای کوچک

در پایان این زنجیره شیرین، نازنین رحمانی، ۱۱ ساله، با لحن خجول اما دل‌گرم‌کننده‌ای از رؤیاهایش سخن می‌گوید: تبدیل شدن به «دختر کفش دوزکی» با لباس رنگارنگ و توانایی پرواز. او در تنهایی نقاشی می‌کشد، نفسی عمیق می‌کشد، به دیگران کمک می‌کند و اگر روزی بتواند کاری برای کسی انجام دهد، می‌خواهد باری از دوش دیگری بردارد، یا خرید مادرش را انجام دهد. میان همه این خواسته‌ها، دلخوشی بعدازظهرها با دوستش و بازی «وسطی» به‌قدر تمام رؤیاهای بزرگ دنیا ارزشمند است. خانه کودک شوش، بیش از یک فضای آموزشی است؛ جایی است که کودکان در آن تمرین می‌کنند چگونه مهربانی را فرا بگیرند، چطور دست در دست یکدیگر بگذارند و چطور از دل سخت‌ترین کوچه‌ها،

زمان است؛ نه پرواز، نه قدرت بدنی. او می‌خواهد «زمان را نگه دارد» تا از مرگ و تصادف و رنج جلوگیری کند. پناه نمی‌خواهد قهرمان تنها باشد، می‌خواهد آموزگار شود، اگر حتی به یک کودک کمک کند خواندن را بیاموزد، همین کافی‌ست. شادی‌اش ساده است: بازی فوتبال با یک توپ خوب، دویدن با دوستان، و خندیدن از ته دل.

اما شاید درخشان‌ترین تصویر از همدلی و مسئولیت را رؤیا امیری، دختر ۱۲ ساله، ترسیم می‌کند. او می‌خواهد «سگ نگهبانی» باشد که از دیگران مراقبت کند. خواسته‌اش تنها نجات دیگران نیست، بلکه بازگرداندن کودکان آواره به خانه‌هایشان، به امنیت. رؤیا نه‌تنها کمک می‌کند، بلکه به نشانه‌ای از اندیشه‌های بزرگ انسانی در وجودی کوچک بدل شده است.

در جنوب تهران، جایی در سایه دود و دیوار، خانه‌ای هست که نه با سیمان و آجر، بلکه با اعتماد ساخته شده؛ خانه‌ای برای بچه‌هایی که آرزوهایشان نه در دفتر مشق، که در دل مهربانی‌ها نوشته می‌شود. آنجا، جایی به نام «خانه کودک شوش» است که زندگی را به زبان کودکان بازنویسی می‌کند. خانه کودک شوش، مأمن کودکی‌های رنگی در دل خیابان‌های خاکستری است.

## رؤیاهایی ساده اما عمیق

دیوارها خسته‌اند، کوچه‌ها ترک‌خورده، و هوا هنوز بوی دود دارد. اما لایه‌لای صداهای گرفته و پنجره‌های زنگ‌زده، جایی هست که لبخند، واژه‌ای غریبه نیست. رد گچ‌های رنگی روی انگشتان کوچک، نجوای آرام معلمی که نام‌ها را با احترام صدا می‌زند و ضرابه‌نگ نفس‌های شاد وسط بازی، پرده‌ای دیگر از واقعیت شوش را نشان می‌دهد. در این تکه از شهر، کودکی هنوز زنده است، با آرزوهایی که از لایه‌لای درد، راه خود را باز می‌کنند.

زهرآ شیروانی، دختر ۱۴ ساله‌ای که در خانه کودک شوش روزهایش را می‌گذراند، وقتی درباره ابرقهرمان محبوبش می‌پرسی، بی‌درنگ نام «سوپرمن» را می‌آورد. اما دلایلش ساده نیست؛ او می‌خواهد از کشورش دفاع کند. زهرآ با صدایی گرم و نگاهی صادقانه از آرزویش می‌گوید: کمک به فقرا، خوشحال کردن دوستان و آموزش طناب‌بازی به آن‌هایی که نمی‌دانند. برایش شادی، طعمی دارد شبیه کوچو و رنگی دارد به رنگ میوه‌ای تازه.

کمی آن‌سوتر، شیمادل آرام ایستاده، ۱۳ ساله، آرام و سرشار از ایده‌هایی فراتر از سنش‌اش. برخلاف زهرآ، شیمادل نمی‌خواهد به کسی دیگر تبدیل شود. او آرزو دارد خدا به او قدرتی ویژه دهد تا کشورش را آباد کند. او برای همه کودکان آرزو می‌کند که درس بخوانند و کمک به دیگران را بیاموزند؛ حتی اگر خودش غمگین باشد.

## قهرمانانی با دل‌هایی بزرگ

در خانه کودک شوش، هیچ آرزویی، زیادی بزرگ یا بیش از حد کودکانه نیست. علی‌عادل، نوجوان ۱۲ ساله، رؤیای تبدیل شدن به «مرد عنکبوتی» را در سر دارد، اما نه برای هیجان، بلکه برای کمک به مردم و به دام انداختن دزدان. او تیم بارسلونا را دوست دارد و از پیروزی‌هایش شاد می‌شود، اما آنچه او تعریف می‌کند، آمیدی است که در دلش نسبت به آینده تمام کودکان دارد.

پناه امینی، پسر ۱۱ ساله، رؤیایی دارد که از جنس



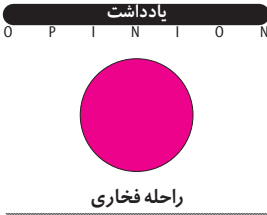
مهین داوری

روزنامه نگار

## خانه کودک شوش

پناهگاهی است برای کودکان جنوب تهران

که با مهربانی و آموزش، رؤیاهای کوچکشان را می‌سازند و یاد می‌گیرند چگونه مراقب یکدیگر باشند



راحله فغاری

## آموزش و توجه عاطفی

مربیان خانه‌های کودک همواره تأکید می‌کنند که تأمین امنیت روانی و به‌کارگیری رویکردهای تخصصی در مراقبت عاطفی، از مهم‌ترین نیازهای کودکان آسیب‌دیده است. آنان بر این باورند که بدون ایجاد حس امنیت و مورد توجه قرار گرفتن، فرایند یادگیری نمی‌تواند معنا و اثربخشی لازم را داشته باشد. رفتارهای پرخاشگرانه و تنش‌آمیز میان کودکان اغلب ریشه در فقدان همین احساس امنیت دارد. برای پاسخ به این نیاز بنیادین، لازم است فضایی قابل پیش‌بینی و آرام فراهم شود که با حفظ ثبات در رفتار مربیان، برخورد‌های محترمانه و الگوگیری از ارزش‌های احترام متقابل همراه باشد. گوش دادن فعال به صحبت‌ها و احساسات کودکان، تشویق آن‌ها به ابراز آزادانه عواطف و تأکید بر ارزش ذاتی هر کودک، از راهکارهای کلیدی برای پاسخ به نیازهای عاطفی عمیق کودکان به شمار می‌رود.

تجارب متنوع و پیچیده کودکان در معرض آسیب، از کار کودک تا مهاجرت و فقدان خانواده، نیازمند به‌کارگیری رویکرد حساس به تروما است. این رویکرد در تمام فعالیت‌های روزمره از جمله آموزش، بازی و مدیریت تعارض به‌کار گرفته می‌شود و چارچوبی مبتنی بر استقرار روال‌های ثابت، حذف تنبیه و پرورش ارتباطات امن شکل می‌دهد. تدوین برنامه‌های ساختار یافته و قابل پیش‌بینی برای کلاس‌ها و زمان بازی، نقش مؤثری در کاهش اضطراب و احساس بی‌ثباتی در کودکان ایفا می‌کند. به‌جای تنبیه، مربیان از گفت‌وگوی هدایت‌شده و بازسازی موقعیت‌های تعارض استفاده می‌کنند تا به کودکان کمک کنند احساسات خود و دیگران را شناسایی کرده و مدیریت کنند. تقویت ارتباطات امن با برقراری تماس چشمی، خطاب کردن کودکان با نام و توجه غیرمستقیم به آن‌ها، اعتماد متقابل را افزایش می‌دهد و زمینه رشد عاطفی و اجتماعی کودکان را فراهم می‌سازد.

با این حال، در خانه کودک شوش با وجود امکانات پایه‌ای آموزشی مانند نقاله، گونیاب و خط‌کش، کمبود منابع یادگیری عمیق و کاربردی چالشی جدی به شمار می‌رود؛ به ویژه در دروس مفهومی مانند ریاضی، نبود وسایل کمک‌آموزشی ملموس و منابع دیداری-نمایی، فهم مفاهیم دشوار مانند اعداد اعشاری را برای کودکان بسیار سخت می‌کند. هرچند فعالیت‌های پروژه‌محور و استفاده از دفترهای حل مسئله فرصت‌هایی برای یادگیری فعال فراهم می‌کنند، اما برنامه‌های فشرده و مشارکت محدود برخی کودکان در تمرینات نوشتاری مانع از تحقق کامل این اهداف می‌شود. اگرچه امکانات پایه‌ای از جمله حمایت‌های روانی، تغذیه و فعالیت‌های فوق‌برنامه هنری و ورزشی تا حدی فراهم است، مربیان معتقدند تحقق حمایت همه‌جانبه و پایدار نیازمند جهشی کیفی است. آن‌ها پیشنهاد می‌کنند سیاست‌گذاران و نهادهای حامی در سه مسیر مهم سرمایه‌گذاری کنند: تأمین منابع مالی پایدار و بلندمدت، طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی تخصصی مستمر برای کارکنان و توسعه فضاهای فیزیکی و برنامه‌ریزی شده که تمرکز ویژه‌ای بر تقویت مهارت‌های اجتماعی، هوش هیجانی و خودتوانمندسازی کودکان داشته باشد.